

## ابن سینا بزرگترین حکیم ایرانی

هزار سال پیش از این ابن سینا افکار وسیعی که مقدمهٔ رنسانس بود  
بمغرب زمین ارمغان آورد

در حدود ۱۰۵۰ میلادی یعنی تقریباً اواسط قرون وسطی و پنجاه سال قبل از  
اینکه فلسفهٔ ماوراء الطبیعهٔ ارسطو در مغرب ظاهر شود يك دانشمند ایرانی بنام  
ابن سینا با انتشار کتابی که از ماوراء الطبیعه، روح، آسمان و حیوانات بحث  
میکرد طرز تفکر وسیع و محکمی بمغرب زمین ارمغان آورد که تا زمان حاضر  
با علوم و فلسفهٔ اروپائی تماس نزدیک داشت.

این دانشمند ایرانی سیصدوسی و پنج اثر از خود بیادگار گذاشت، که جنبهٔ  
علمی آنها بیش از جنبهٔ فلسفی شان بوده و در تحول علمی جهانی تاثیر بسزائی  
داشته است. آثار طبی اوتتا قرن هیجدهم جزو کتب درسی دانشگاههای اروپا  
بود. مطالعات و تحقیقات او دربارهٔ ریاضیات، فیزیک، شیمی، نجوم، نبات شناسی، اداره  
قشون و مالیات ارضی، همچنین رسالات او راجع به عشق، مکاتباتش بادانشمندان زمان، آثار  
فلسفی، قضائی، زبان شناسی، شاعری و حتی تحقیقات و تتبعات او راجع به سحر  
و جادو باعث شده است که ویرا در ردیف شگفت انگیزترین شخصیت های تمدن  
جهانی بشمار آورند.

هزار سال قری پیش از این یعنی در سال سیصد و هفتاد هجری ( ۹۸۰  
میلادی ) کودکی دره افشنه، نزدیکی بخارا بدنیا آمد نام وی ابوعلی حسین بن  
عبداله بن سینا بود که بعداً بنام ابن سینا معروف شد.

در نتیجهٔ مواظبت هائیکه در دوران کودکی وی بعمل آمد معلومات فراوانی  
که نسبت بزمان خود خیلی وسیع بود بیاندوخت، ابن سینا اگر چه ایرانی بود

وای آثار عمده خود را بزبان عربی که زبان علمی و دینی ممالک اسلامی بود نوشته است (همانطوریکه در همان زمان زبان لاتینی برای مسیحیهای مغرب زمین زبان علمی بشمار میرفت) آثاریکه بزبان فارسی از خود بیادگار گذاشته است عبارتند از: اشعار فارسی، رساله ای راجع بضربان نبض و رساله دیگر راجع باصول و مبادی علوم.

راجع بشرح حال ابن سینا مطالبی در دست است که از نوشته های خود او استفاده میشود و شاگرد وی الجوزجانی این یادداشتها را تکمیل کرده و مؤلفینی از قبیل: القفطی آنرا دنبال کرده و ابن خلکان و ابواصبیه حواشی و تفسیراتی در باره آنها نوشته اند.

جامعیت او - ابن سینا مثل هر مسلمان خوب ابتدا قرآن را یاد گرفته بعد بتحصیل ادبیات عرب، فلسفه یونان، حقوق، الهیات، طب، هندسه، فیزیک و ریاضیات پرداخت و بیشتر آثار اقلیدس، بطلمیوس و پرفیر (؟) را مطالعه میکرد تا اینکه در شانزده سالگی گوی سبقت از همگنان و استادان بر بود و خود مکتبی بنا نهاد که در آن پزشکان زیادی زیر نظروی مشغول کار بودند. در هیجده سالگی چون تمام دانش زمان خود را فرا گرفت شهرت طبی وی بگوش امیر وقت که بمرض مدهشی گرفتار بود رسید و او را برای مداوا احضار کرد. ابن سینا امیر را شفاداد و به پاداش این خدمت اجازه داده شد که در کتابخانه عالی امیر مشغول کار شود بعد از آن امیر در کارهای دولتی و در تمام اقدامات و ابتکارات خود قبلا بوی مشورت میکرد و وسائل مطالعات مفصل ویرا فراهم میساخت.

طب - در بیست و یک سالگی اولین اثر خود (المجموع) را بنوشت.

این کتاب یک اثر فلسفی بود که بنا بسفارش والعروضی، برشته تحریر در آمد در این زمان ابن سینا بکار سیاست علاقمند شد و بخارار اترک گفت و برای درک حضور امرای شمال و حوالی دریای خزر از دیاری بدیاری میرفت تا یک نفر از طرفداران علم و ادب بنام السراجی، مال فراوان بدو بخشید و وادارش کرد که کتابهای زیادی بنویسد.

در گرگان بنوشتن کتاب ( قانون ) که راجع بعلم طب است پرداخت و اولین رسالات خود را نوشت و بشهر ری که خرابه هایش هنوز نزدیک تهران وجود دارد برفت . در آنجا شاهزاده مجدالدوله که مریض بود از وی استمداد کرد و مواظبت جست . بعداً بهمدان رهسپار شد و چون امیر را شفا بخشید بمقام وزارت منصوب گردید، ابن سینا در این شهر روزها بکارهای دولتی میپرداخت و شبها بتألیف آثار خود مشغول میشد و در همین موقع است که کتاب (شفا) و (قانون فی الطب) را که بزرگترین اثر طبی او و سالها مرجع اصلی و عمده اطبای شرق و غرب بوده برشته تحریر در آورد .

فلسفه - چون امیرهمدان در گذشت دشمنان ابن سینا ویزا در قلعه (فرداجان) محبوس کردند در این زمان تحریر آثار وی در باره منطق ، ریاضیات ، ماوراء الطبیعه و شفا پایان رسیده بود .

باز چند اثر فلسفی و طبی دیگر برآ بدنها افزود . این اثرها فرصت مناسبی بود و باو اجازه داد که با فراغ بال مشغول کار شود . ولی این وضعیت مدت زیادی طول نکشید و چون بهمدان برگشت اوضاع را قابل اطمینان ندید و بادوست باوفای خود (جوزجانی) بسوی اصفهان فرار کرد و در آنجا کتاب شفا را باتمام رسانید . این کتاب چون خیلی مفصل بود خلاصه ای از آنرا بنام (النجاه) ترتیب داد ، ابن سینا تنظیم این خلاصه را از زمانیکه در گرگان بسر می برد شروع کرده بود . این دو کتاب نشان میدهد که افکار فلسفی ابن سینا در حدود قلمرو فلسفه ارسطو و سیر میکرده ولی در اواخر عمر موعینه که در اصفهان بسر می برده تحول محسوس در افکار وی پدید آمده و این موضوع مخصوصاً از کتاب او موسوم به ( کتاب الاشارات والتنبیها ) مستفاد میشود ، این کتاب آخرین کتابی است که صحیح و سالم بدست ما رسیده است .

علوم - کتاب ( الاشارات ) پایان تحول فکری ابن سینا را نشان میدهد و از این کتاب معلوم میشود که فکر ابن سینا متوجه افکار علمی ایرانی شده و این امر در

افکار فلسفی و منطقی وی تأثیر زیادی بخشیده است، همچنین از این کتاب نتیجه گرفته میشود که جریان فکری ابن سینا از مجرای تصوف و مذهب خالص منحرف و بسوی فلسفه عقل و منطق متوجه گردیده است.

این دو نکته (توجه به علوم ایرانی و منطق) که راجع به ابن سینا تا زگی دارد در جشن هزاره او از نکات قابل توجه بشمار خواهد رفت. متأسفانه این اثرها در زبان ما تا امروز بطور کامل ترجمه نشده و اخیراً اطلاع یافته ایم که ماداموازل (گریشون) که امروزه یکی از مراجع مهم صلاحیت دار و متخصص در شناسائی ابن سینا میباشد ترجمه آنرا بزبان فرانسه پایان رسانیده است، این امر باعث خواهد شد که علمای مغرب زمین مقام علمی این دانشمند ایرانی را بهتر بشناسند.

پانصدسال قبل از هاروی، ایکن رنسانس این دانشمند ایرانی یک طرز تفکری بوجود آورده که نه یونانی بوده و نه ایرانی و نشان میدهد که در بیانات و استدالات خود چگونه به تجربیات علمی نیازمند میباشیم.

ابن سینا فلسفه یونانی و شرقی و علوم ایرانی را جمع و تألیف و با سبک جالب توجه و کم نظیری بزبان عربی تحریر کرده است، این دانشمند و فیلسوف بزرگ بعد از آنکه غلامان خود را آزادی بخشید و تمام دارائی خود را به بینوایان اعطا کرد در شهر اصفهان که شهر گلها بشمار میرود در سن پنجاه و هفت سالگی بعد از یک زندگی پر زهد و تقوی دارفانی را بدرود گفت.

مطالب فوق شرحی است که آقای کامیل آبو سوآن در باره ابن سینا - سخنرانی کرده و آقای روشن ضمیر آنرا ترجمه و برای نشر در مجله فرستاده اند، ما برای اینکه طرز قضاوت خارجیان و اطلاعاتشان را در باره بزرگان ایرانی نشان دهیم بدون هیچ دخل و تصرفی بدرج آن مبادرت ورزیدیم و گرنه از نظر صحت دارای نواقص زیادی است که فعلاً در باره آن چیزی ننویسیم و وعده میدهیم که در جشن هزاره ابن سینا شرح حال جامع و مفیدی از این حکیم در دسترس خوانندگان محترم قرار دهیم.